

یادگار روزگاران

فاطمه ترکچی



- آثار الباقية عن القرون الخالية
- ابوريحان بيروني

مقدمه:

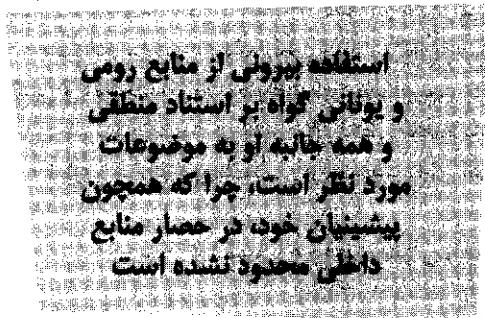
در این مقاله به معرفی «آثار الباقية عن القرون الخالية» که تا حد زیادی میین نوع اندیشه نویسنده خود، ابوريحان، محمد بن احمد بیرونی است، پرداخته است. همچنین، معرفی نویسنده، موضوع کتاب، انگیزه نگارش آن، ادبیات و نوع نگارش آثر، مباحث مورد توجه بیرونی، منابع مورد استناد وی و معرفی فصلها و بخش‌های کتاب از دیگر مطالب این بحث است.

به غزین، وی را با تعدادی از بزرگان دربار خوارزمشاه با خود همراه کرد. البته این بدان معنا نبود که ابوريحان دیگر به موطن خود بازنشست، بلکه پس از آن چندبار دیگر به خوارزم سفر کرد و در بیشتر غزوات محمودغزنوی به هندوستان در ملازمت او بود. این جریان، فرضی بود تا بیرونی با دانشمندان و حکماء هندی مجالست داشته باشد و با زبان سانسکریت آشنایی یابد، بر گستره معلومات خود بیفزاید و در نهایت، مقدمات نگارش کتاب ارزشمند «تحقيق مالله‌ند» فراهم آید. به جز این، ابوريحان، صد و سه مقاله و کتاب از خود به جای گذارده است که از آن میان می‌توان به «قانون مسعودی»، «استخراج الاوتار»، «افراد المقال في امر الاخلاق»، «تمهید المستقر لمعنى المر»، «رأشیکات»، «تحديد النهایات الاماكن»، «مقالید علم الهیه»، «الاستیعاب في وجوه الممکنه في صنعه الاصطراكاب»، «تسطیع الصور»، «تصحیح المبادی»، «تصویر الكواكب و البلدان»، «الجماهر في معرفه جواهر»، «التقہیم»، «پاتنجلی»، «مقالمائی» در استخراج مساحت زمین با رصد انحطاط آفق از قلل جبال،

ابوريحان بیرونی کیست:
ابوريحان، محمد بن احمد، ریاضیدان و فیلسوف ایرانی در ۳۶۰^۱ یا ۳۶۲^۲ هجری قمری در خوارزم دیده به جهان گشود. زادگاه وی، خوارزم در شمال منطقه ماوراءالنهر و رود چیخون و جنوب دریاچه خوارزم (آرال امروزی) واقع بود - و هست - و به همین لحاظ، این ایالت در شمار مهم‌ترین، حاصل خیزترین، غنی‌ترین و آبادترین ایالات ایران - البته تا پیش از تغییر رود چیخون، یعنی حدود سده‌های ۹ و ۱۰ ق. - قرار گرفته بود. بدین روی، شاید بتوان گفت، مساعدیومن آب و هوا و شرایط طبیعی خوارزم بر اندیشه و شخصیت بیرونی و دیگر دانشمندان آن سامان آثر موافق گذارده است.

وی ابتدا در خدمت «امونیان خوارزم»، معروف به خوارزمشاهیان^۳ بود^۴ و سپس مدتی را در دربار قابوس بن شمس‌گیر زیاری (شمس المعالی) به سر برد و کتاب «آثار الباقية عن القرون الخالية» را به نام وی تأثیف کرد.^۵ چند سال بعد، بیرونی مجدداً به خوارزم بازگشت اما محمودغزنوی در مراجعت





رایا بیان واضحی که قابل فهم باشد، برای او شرح دهندا و را از خواندن کتاب‌های گوناگون و پرسش از یک اهل این کتاب بی‌نیاز کند.^{۱۲} بنابراین، او کتاب خود را در موضوعات بالا، یک اثر جامع معرفی می‌کند که اساساً تاریخی است؛ اما این به معنی عدم حضور چهارگانه در کتاب نیست. رودخانه‌ها، قنوات و چشممه‌سارها^{۱۳}، کره زمین^{۱۴}، خورشید و گرمای آن^{۱۵}، «پاره‌ای از عجایب طبیعی» مانند کوهها و باران^{۱۶}، دریاچه^{۱۷}، فصول^{۱۸}، آب^{۱۹} و ... از جمله عوامل و عناصر چهارگانی است که در این کتاب به بحث گذاردند. مکان‌های مانند آذربایجان^{۲۰}، بغداد^{۲۱}، ری^{۲۲}، ایران^{۲۳} (به طور کلی)، خوارزم^{۲۴}، دریای خزر^{۲۵}، آمل^{۲۶}، شام^{۲۷}، باب‌الابواب (دریند)^{۲۸}، ساوه^{۲۹}، ارمنیه^{۳۰} و ... نیز مورد توجه بیرونی بوده‌اند.

این کتاب، به لحاظ دقیق تر نظر نویسنده در دیده‌ها و شنیده‌ها^{۳۱} و به کارگیری منابع چهارگانی گذشته مانند مسعودی^{۳۲}، «مسالک و ممالک این خردابه»^{۳۳}، «مسالک و ممالک جیهانی»^{۳۴}، «زیج کامل محمد بن عبدالعزیز هاشمی»^{۳۵}، «رساله اوقات دعای یعقوب بن اسحاق کندی»^{۳۶}، «علی بن علی»، کاتب نصرانی^{۳۷}، «سنان بن ثابت»^{۳۸}، «ثابت بن سنان»^{۳۹}، «مدخل در صناعات که اثر بطلمیوس»^{۴۰}، «جالیتوس»^{۴۱}، «فالبلس»^{۴۲}، «مطرودورس»^{۴۳}، «ذیموقریطس»^{۴۴} و ... همچنین چهارگانی دانان معاصر خود، موجب گوبرداری نویسنده‌گانی چون قزوینی^{۴۵} شده است. به ویژه در زمینه نقشه‌نگاری چهارگانی، نظریات بیرونی پیروان بسیاری یافت.^{۴۶} او به وضوح حدود قسمت‌های مسکون زمین را در زمان خود شرح می‌دهد که در این زمینه، منابع اطلاعات وی «آثاری از معاصرانش» بوده است.^{۴۷} مباحثه او با

«رساله‌ای فارسی در احکام نجوم»، «رساله‌ای بسیار مختصر درباره اصطلاح»^{۴۸} و ... اشاره کرد.

ابوریحان، سرانجام پس از سال‌ها تحصیل و تلاش در وادی علم، در ۴۴۰ ق. در غزین بدرود حیات گفت.^{۴۹}

در مورد مذهب بیرونی نمی‌توان به قطع و یقین سخن گفت، اما به احتمال زیاد و با توجه به مطالب زیر، مندرج در «آثارالباقیة»، شیوه بوده است:

- ۱- به هنگام توضیح «غدیرخم» به عنوان یک مکان، به «حجۃ الوداع» و جانشینی حضرت علی (ع) می‌پردازد.^{۵۰}
- ۲- در یک مورد تیز این ملجم را «ملعون» لقب می‌دهد.^{۵۱}

۳- در موردی دیگر به بهانه شرح «روز عاشورا» به عنوان یکی از روزهای مهم عرب، به «واقعه طف» اشاره می‌کند و امام حسین (ع) را با لقب «سیدالشہدا» و «کربلا» را محل «تریت مسعود حسین (ع)» معرفی می‌نماید.^{۵۲}

۴- در ذکر ماههای عرب و در بخش «ذوالحجۃ» به «واقعه حره» و مدینه گریز می‌زند و بر بنی امیه و «اعمال قبیحه» ایشان لعن می‌فرستد.^{۵۳}

با این همه، نمی‌توان شیوه بودن او را قطعی دانست، زیرا در این زمان، معتزله در جامعه ایران حضوری فعال داشته‌اند. بنابراین، شاید موارد بالا به جنبه عقل گرایانه افکار و اندیشه‌های بیرونی اشاره داشته باشد، نه گرایشات مذهبی و شیوه بودن او. اما به طور کلی، تمامی این موارد، یعنی ایرانی بودن و معتزله بودن وی، حاکی از ایدئولوژی ابوریحان است.

درباره «آثارالباقیة»:

«آثارالباقیة عن القرون الخالية» عنوان یکی از مهم‌ترین تألفات ابوریحان بیرونی است که در زمان شمس‌الحالی، حکمران زیارتی و به نام او نوشته شده است. بنا به گفته نویسنده، انگیزه او از نگارش این کتاب، آن بوده است که «یکی از ادب‌ها از تواریخی که ملل به کار می‌بندند و اختلافاتی را که در اصول مبادی آنهاست و فروع که شهر و سالیان است و عالی که باعث اختلاف شده و سایر اعیاد و ایام مشهور که هر یک را برخی از امم استعمال می‌کنند، از من خواست که این مسائل

ابوعلى سينا در مورد «حرارت آفتاب»^{۲۰} دليل اين مدعى است. استفاده بيرونى از منابع رومي و يوناني گواه بر استناد منطقى و همه جانبه او به موضوعات مورد نظر است، چرا که همچون پيشينيان خود، در حصار منابع داخلی محدود نشده است. اين رويدارد بيرونى به منابع از دو جهت داراي اهميت است:

۱- کتابها و منابع گمشده و يا غير قابل دسترس را معرفى می کند

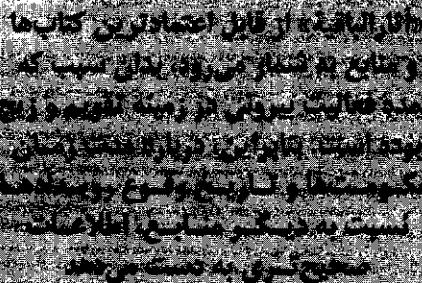
۲- نظرات موافق و مخالف نويسندگان غير ايراني را ارائه می دهد

بيرونى به آيات و داستان های قرآن^{۲۱} و نيز^{۲۲} مورد شعر عربى^{۲۳} استناد کرده است. به دليل عربى بودن متن، هيج شعر فارسي به جز اشارات مترجم^{۲۴} در پانيوس به اشعاري از فردوسى، نظامي و ديگران^{۲۵} در «آثارالباقيه» نياerde است.

به لحاظ نگرش تاریخي، «آثارالباقيه» از قابل اعتمادترین کتابها و منابع به شمار می رود، بدان سبب که عمدۀ فعلیت بيرونى در زمینه تقویم و زیج بوده است. بنابراین، درباره مدت زمان حکومت‌ها و تاریخ وقوع رویدادها نسبت به دیگر منابع، اطلاعات صحیح‌تری به دست می دهد. ملل و نحل و مناسک و آداب و رسوم آنها از جمله مواردی است که اطلاعات جامعی از آنها در «آثارالباقيه» گنجانده شده است. بيرونى در اين کتاب به تاریخ اجتماعی و فکري نيز توجه کرده است و بدین لحاظ، «آثارالباقيه» يك دگرگونی بنیادين و قابل توجه در آثار به جای مانده از سده‌های ۴ و ۵ ق. به وجود آورد. گرديزى از جمله مورخان تأثیرپذيرفته از «آثارالباقيه» بيرونى است. ابوريحان، خود از منابع تاریخي چون «تاریخ طبری»^{۲۶}، «سنی ملوك الارض و الانبياء حمزه اصفهاني»^{۲۷}، «شاهنامه ابن بلخی»^{۲۸}، «سیر الملوك ابن مقفع»^{۲۹} و ... استفاده نموده است.

بيرونى با بهره گيري از روش عقلاتی و با رويدار معرفت‌شناسانه سعی کرده است مطالب را به صورت تطبیقی ارائه دهد. وجود ۱۰۸ جدول^{۳۰} در میان مطالب کتاب، این ادعا را ثابت می کند.

پيش از اين گفتيم که متن اصلی کتاب به زبان عربى



است و دریافت‌های ما از ترجمه متن حاصل شده است. اما از آنها که روانی و یا متكلف بودن ترجمه يك متن به اصل آن بستگی دارد، به نظر می‌رسد، «آثارالباقيه» نیز در اصل، متنی روان و ساده داشته باشد.

نتیجه:

با توجه به آنچه که تا کنون دانسته شد، نقش تاریخ در «آثارالباقيه» پررنگ‌تر از جغرافیاست، اما این موضوع از اهمیت اطلاعات جغرافیایی کتاب نمی‌کاهد. بيرونى از يك سو، با ارائه تطبیقی و انتقادی منابع مورد استناد خویش، بی‌تردد در تأليف عقل‌گرایانه و مقایسه‌ای آثار تاریخی - جغرافیایی نخستین گام را برداشت، به گونه‌ای که کسانی چون گرديزى و قزوینى از او الگوبرداری کرده‌اند. از سوی ديگر، با نقشه‌برداری و اندازه‌گيری موضع جغرافیایی بسیاری از شهرها، طول قوس درجه را بر روی نصف‌النهار حساب کرد.

بي گمان، اشراف او بر رياضيات و زیج، مسافرت‌های او به هند و بلاد اسلامی و آشنايی و همنشيني و گفت‌و‌گو با بزرگانی چون ابن سينا و ابوالحسن اذرخواری مهندس، توجه به جغرافی انسانی، بی‌طرفی و عقل‌گرایی او در برداشت و گزینش منابع مورد استناد و بالاخره، بهره گيری وی از حمایت شمس‌العالی، که در آن صورت می‌توانست از منابع و مستنداتی استفاده کند که ممکن بود به راحتی در اختیار ديگران قرارانگيرد، از رموز موقفيت بيرونى نه تنها در «آثارالباقيه» بلکه در ديگر تأليفاتش نيز بود، به نحوی که وی را در زمرة جغرافي نويسان صاحب‌سبک کلاسيك ايران وارد نمود.

پی نوشت‌ها:

۱. ابوریحان بیرونی، آثار الباقية عن القرون الخالية، ترجمه اکبر داناسرشت (تهران: ابن سینا، ۱۳۵۲)، ص یک.
۲. معین، ج ۱۳، ۱۳۷۸، مدخل «بیرونی»
۳. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷)، ص ۴۸۴ و ۴۸۶
۴. معین، همان مدخل.
۵. بیرونی، ص ۳.
۶. همان، ص دو - چهار.
۷. همان، ص یک.
۸. همان، ص ۴۶۰.
۹. همان، ص ۴۵۶.
۱۰. همان، ص ۴۵۱ و ۴۵۲.
۱۱. همان، ص ۴۶۰ و ۴۶۱.
۱۲. همان، ص ۲.
۱۳. همان، ص ۳۳۹ و ۳۵۱.
۱۴. همان، ص ۳۴۵.
۱۵. همان، ص ۳۴۲.
۱۶. همان، ص ۳۲۷.
۱۷. همان، ص ۳۵۴.
۱۸. همان، ص ۳۵۸ و
۱۹. همان، ص ۲۶۸ - ۳۶۶.
۲۰. همان، ص ۶۶ و
۲۱. همان، ص ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱ و ۴۵۱.
۲۲. همان، ص ۳۰۲، ۶۵، ۶۶ و ۴۶۶.
۲۳. همان، ص ۱۴۱، ۱۶۴، ۵۴۶ و
۲۴. همان، ص ۱۸، ۵۶، ۲۶۰، ۳۲۷ و
۲۵. همان، ص ۸۹.
۲۶. همان، ص ۲۸۹.
۲۷. همان، ص ۴۳۳، ۵۱۴، ۵۵۰ و
۲۸. همان، ص ۶۰.
۲۹. همان، ص ۲۸۸.
۳۰. همان، ص ۶۰.
۳۱. همان، ص ۳.
۳۲. حسین قرچانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱ (تهران: سمت، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۹.
۳۳. بیرونی، ص ۶۶ و ۳۲۷.
۳۴. همان، ص ۳۵۵.
۳۵. همان، ص ۴۳۵.
۳۶. همان، ص ۳۴۰.
۳۷. همان، ص ۳۶۴.
۳۸. همان، ص ۳۲۴، ۳۶۶، ۴۴۶ و
۳۹. همان، ص ۳۲۳.
۴۰. همان، ص ۱۶، ۵۰، ۳۶۰ و ۴۴۵.
۴۱. همان، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.
۴۲. همان، ص ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۶۸ و
۴۳. همان، ص ۳۲۸، ۳۶۰، ۳۶۸ و
۴۴. همان، ص ۳۲۵، ۳۳۳، ۳۶۹ و
۴۵. قرچانلو، ص ۱۱۶ و ۱۲۲. شاید، منظور قرچانلو از قزوینی، زکریا، عمال الدین ابن محمد بن محمود قزوینی، نویسندهٔ «آثارالبلاد و اخبارالعباد» است.
۴۶. همان، ص ۱۲۲.
۴۷. همان، ص ۱۱۰.
۴۸. بیرونی، ص ۳۴۵ - ۳۴۳.
۴۹. همان، ص ۱۴ - ۱۲، ۳۶، ۳۷ و
۵۰. همان، ص ۱۹، ۵۳، ۵۲ و
۵۱. منظور، اکبر داناسرشت است.
۵۲. همان، ص ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۹۲ و
۵۳. همان، ص ۶۶.
۵۴. همان، ص ۱۶۴.
۵۵. همان، ص ۱۴۲.
۵۶. همان، ص ۱۴۲.
۵۷. همان، ص ۴۰، ۱۰۴، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۵۶ و